

سخنرانی برادر امان پور مسئول
کمیته فنی جهاد سازندگی در
سمینار «روستا، رشد و
توسعه»

استقرار صنعت در روستا

● در انتخاب تکنولوژی مناسب برای
صنایع کوچک ما به هیچ وجه در این
فکر نیستیم که سادهترین و پائین ترین
تکنولوژیها را در روستا بکار بگیریم بلکه
اگر زمینه فراهم شود می توانیم از
پیشرفتهترین تکنولوژی نیز در صنایع
روستایی استفاده کنیم.

● ما به هیچ وجه دنبال این نیستیم که دولت
صاحب و مالک صنایع روستایی باشد، مالک روستائیان
خواهند بود و جهاد باید در تهیه طرح و ایجاد و بهره برداری و راه اندازی
ماشین آلات و آموزش نیروی انسانی در بالا بردن کیفیت تولیدات، فعالیت نماید.

امکانات آب و خاک موجود چهار میلیون شغل در
روستاها ایجاد نمائیم، از آنجا که من خودم به این
موضوع علاقمند هستم و اینگونه طرحها را
پی گیری می کنم و با برادران صاحب نظر مشاوره
می کنم می بینم بعضی از محورها که متناسب با
اهداف توسعه است مدنظر قرار نمی گیرد و یا کمتر
بدان توجه می شود. برای مثال طرح بهره برداری از
جنگلها؛ که بعلت عدم بهره برداری از این نعمت
الهی ما سرافکننده هستیم و آنها در حال تخریب و
نابودی هستند. در آن طرح مقدماتی قرار بر احیای
حد اقل ۵۰۰ هزار هکتار از جنگلهای در حال
تخریب بود که با این کار حداقل ۱۵۰ هزار شغل

نشاط شود حرکت می کنیم، در این مراکز روستایی
محور فعالیت و توسعه کشاورزی است. با چنین
فرضی تنگناهایی که برای توسعه مناطق وجود
خواهد داشت با الگوی صنایع روستایی مرتفع
خواهد گردید. حال، حجم توسعه مناطق روستایی
و تصویر کامل آن به چه صورت خواهد بود خود
بحثی است که در جهاد شروع شده است و در
جهت دست یابی به چارچوب آن ادامه دارد.

شغل:

درست است که ما محوریت کشاورزی را در
توسعه بعنوان یک اصل پذیرفته ایم اما باید این
مسئله را روشن سازیم که آیا ما میتوانیم با توجه به

در این بحث ابتدا براساس پیش فرضهایی که
منظور شده است، الگو و تصویری از صنایع
روستایی ارائه کرده ایم، چرا که هم در بخشهای
درون کنفرانس و هم خارج از آن برای توسعه
کشور محوریت کشاورزی یا صنعت مطرح است و
این سؤال در اذهان وجود دارد که آیا براساس
توسعه شهرها و تمرکز جمعیت در شهرها باید
برنامه ریزی کرد و یا براساس احیاء و بازسازی
مناطق روستایی؟

ما بر این اساس که باید مناطق روستایی
احیاء و بازسازی شوند و توسعه یابند و در نتیجه
کشور ما دارای روستاهای تولیدی، فعال، زنده و با

ایجاد می‌گردید.

این مسلم است که با محدودیتهای موجود در این بخش ما قادر نخواهیم بود همه جمعیت مناطق روستائی را با توجه به رشد روزافزون این بخش بکار مشغول سازیم، باید که بدنبال ایجاد اشتغال جدید باشیم.

— درآمد:

موضوع بعدی درآمدهایی است که از طریق دامداری و کشاورزی عاید روستائیان می‌شود و بحث بر سر این مسئله است که آیا قیمت گذاری محصولات کشاورزی اصولاً پذیرفتنی است یا خیر؟! و آیا وقت آن نیست که تغییر سیاست داده

در کشور ما از بسیاری نیروهای فنی و تخصصی به نحو مطلوب استفاده نمی‌شود و حتی جهت‌گیریهای تربیت نیروی متخصص نیز متناسب با نیازهای ما نیست و در برنامه‌ریزیها به صنایع روستائی توجه نشده.

امروزه خرد کردن و کوچک کردن صنایع و بردن آن به روستاها به خاطر مسائل خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای پیشرفته که صاحب صنایع انبوه هستند نیز مطرح است و شدیداً دنبال می‌شود.

و قیمت محصولات را افزایش دهیم؟

با توجه به ماهیت خاص تولید کشاورزی و عدم کفاف درآمد سالانه جهت پاس‌حکوتی بسه هزینه سالانه در اینجا با مسئله کمبود درآمد بعنوان یک موضوع مهم برخورد می‌کنیم.

— استعداد جغرافیائی:

نکته سوم این است که کشور ما دارای شرایط مختلف جغرافیائی است و اگر مروری بر ظرفیت تولیدی مناطق بکنیم به سه منطقه برخورد می‌خوریم.

۱— مناطقی که استعدادهای بالقوه و بالفعل و قابل توسعه را دارا می‌باشند.

۲— مناطقی که از استعداد متوسطی برخوردارند.

۳— مناطقی که استعداد کم یا در حد صفر را دارا می‌باشند.

اصولاً طرح صنایع روستائی بدین دلیل است که بتواند به این تنگناها جواب دهد و در مکانی که استعداد کشاورزی محدود است بتواند بعنوان یک درآمد و یک کار اشتغال را مطرح باشد و حتی در مکانی که استعداد کشاورزی زیاد است بعنوان یک عامل تکمیلی و مکمل درآمد روستائی و یک کار مقطعی و فصلی بتواند مشکلات را حل کند.

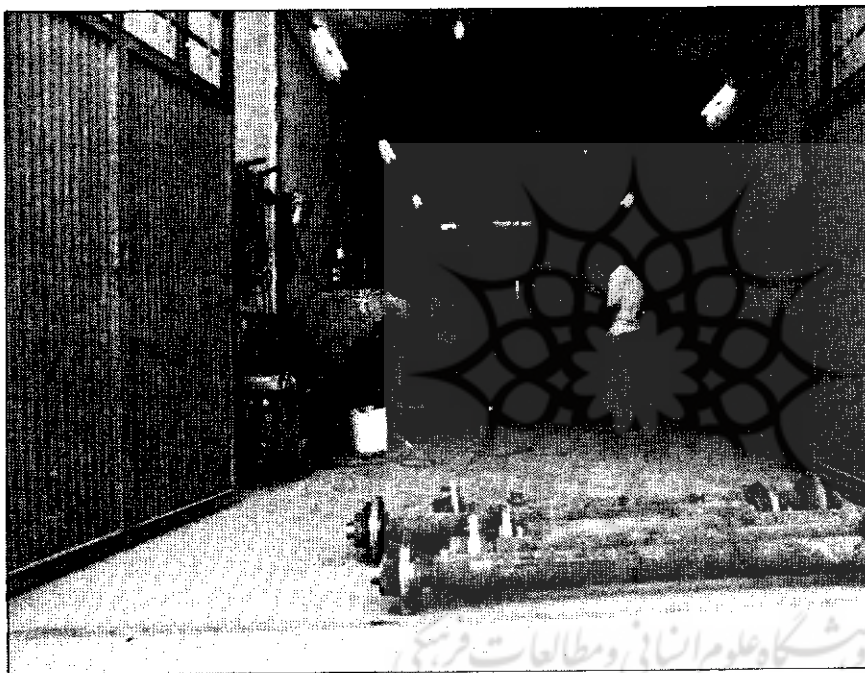
تعریف صنایع روستائی:

هر صنعتی که در مناطق روستائی ایجاد شود و ویژگیهای زیر را دارا باشد میتواند جزو صنایع روستائی محسوب شود.

با دیپلم درس بخواند، جذب بخش خدمات با صنعت در شهرها می‌شود.

ه) تأمین و تولید بخشی از کالاها و مواد مورد نیاز کشور.

وقتی که صنایع روستائی بعنوان مرکز تولید مطرح باشد میتواند ضمن آنکه اهداف فوق‌الذکر را دنبال می‌کند، متقبل بخشی از نیازهای جامعه مخصوصاً نیازهای جامعه روستائی نیز باشد و سهم قابل توجهی از تولیدات کشور را بخود اختصاص دهد و نهایتاً به عنوان پایه گذار صنعت خودکفا و مستقل جامعه و رفع کننده بخشی از تنگناهای صنایع موجود کشور مطرح خواهد بود.



بر این اساس ماسه صنعت را در روستا دنبال می‌کنیم:

اول صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی و دامی که این فرصت را به کشاورزی دهد تا محصول خود را با قیمت بالاتری به صورت کالای واسطه‌ای یا کامل به بازار عرضه کند نه به حالت خام و ارزان به این صورت ارزش افزوده این محصولات نصیب خود کشاورز می‌شود و این افزایش درآمد روستائیان کاملاً در جهت اهداف جهاد است.

دوم صنایع دستی روستائی است که می‌تواند بصورت یک کار جنبی و فرعی در خانواده‌های روستائیان مطرح شده و بدون اینکه تغییری در فعالیتهای کشاورزی آنان صورت دهد درآمد خانواده‌های روستائی را بالا می‌برد.

الف) حمایت و پشتیبانی واقعی از تولیدات کشاورزی و دامی بدو صورت صنایع تبدیلی مواد و محصولات کشاورزی و دامی و دیگری از طریق ارائه وسائل خدماتی و صنعتی و همچنین ابزار و ادوات مورد نیاز تولید کشاورزی و دامی.

ب) جبران کمبود درآمد و تأمین مکفی درآمد متناسب با هزینه‌های سالانه روستائیان.

ج) ایجاد اشتغال برای جمعیت رو به رشد روستاها بصورت نیمه وقت و تمام وقت.

د) ایجاد فضا و زمینه لازم برای رشد ابتکارات، خلاقیتها و شکوفائی استعداد روستائیان.

موضوع مهم این است که روستاهای کشور زمینه جذب نیروهای متخصص و با سواد را ندارند حتی اگر فرضاً یک روستائی بتواند تا دوره سیکل

تکنولوژی انتخاب شده برای صنایع روستایی حداقل باید با بافت جامعه روستایی ما بخواند و آنرا بر هم نزند و امکان تعمیر و نگهداری آن نیز در روستا باشد.

صنایع کوچک در مناطق روستایی باید در درجه اول تأمین کننده نیازهای کشاورزی و دامپروری و مکمل و پشتیبان این نیازها با توجه به شرایط جغرافیایی هر منطقه باشند.

کار گیریم بلکه اگر زمینه فراهم شود می توانیم از پیشرفته ترین تکنولوژیها نیز در صنایع روستایی استفاده کنیم.

در این زمینه برادرانمان که برای مطالعه به خارج عزیمت کرده بودند در بازدیدشان از یک کارگاه روستایی در کشور سوئیس مطرح می کردند که در دل یک منطقه روستایی در یک کارگاه کوچک قطعات ظریف واسطه ای برای کارخانه های بزرگ تولید می شد و پیشرفته ترین تکنولوژی و ماشین ابزارهای تمام اتوماتیک را در آنجا بکار می بردند.

البته به نظر من انتخاب تکنولوژی و شعار اینکه آیا می خواهیم از تکنولوژی پیشرفته استفاده کنیم یا متوسط یا ساده این نمی تواند کاری انجام بدهد بلکه ما باید عوامل و پارامترهای مؤثر در انتخاب تکنولوژی را مشخص کرده و امکانات و مقدرات خود را نیز معین کنیم و براساس آنها تکنولوژی لازم را برای مناطق روستایی انتخاب نمائیم.

البته باید این موضوع را یادآوری کنم که ما هنوز در سطح کشور به یک تعریف مشخص برای تکنولوژی نرسیده ایم و در این رابطه حرفهای ما آنقدر زیاد است که برای مطرح کردن آنها من پیشنهاد می کنم کنفرانسی در این زمینه گذاشته شود تا صاحب نظران دیدگاههای خود را عرضه کنند.

اما در رابطه با عوامل مؤثر در انتخاب تکنولوژی من ابتدا چند مثال از تنگناها و مشکلات تمان در این کار می زنم تا براساس آنان عوامل را ردیف کنم.

حدوداً از یک سال پیش در رابطه با ایجاد نیروگاههای کوچک آبی برای تأمین انرژی کاری را شروع کردیم، بحث بر سر این بود که چه نوع تکنولوژی و توربینی انتخاب شود و این را از کدام کشور انتخاب کنیم. ما یک کارمیانهای را آغاز کردیم و با همکاری چند تن از برادران با تجربه طرح یک توربین با تکنولوژی مناسب را ریختیم و با نظارت جهاد این طرح نمونه سازی هم شد، ما به کلیه دانشگاههای کشور اعلام کردیم و از استادان فن خواستیم که امکانی را فراهم کنند تا نیروهایی بیابند و در آزمایش و تعیین راندمان و کشیدن متحنیها و محاسبات مربوطه به ما یاری دهند ولی الان نزدیک ۶ ماه است که هنوز موفق به این کار نشده ایم، از این مثال می خواهم نتیجه بگیرم که ظرفیت علمی و توانائی تحقیقاتی عامل مهمی

سوم صنایع کوچک می باشند، بحث در اینکه شرایط و چگونگی این صنایع در روستاها چیست بسیار است ولی در این رابطه لیستی تهیه شده و روی این مطلب که حد و مرز این صنایع چگونه است و میزان سرمایه گذاری و اشتغال و تکنولوژی این کارگاهها باید به چه نحو باشد کار می شود. در این رابطه سخن بسیار است و من می خواهم کمی در این موضوع صحبت کنم.

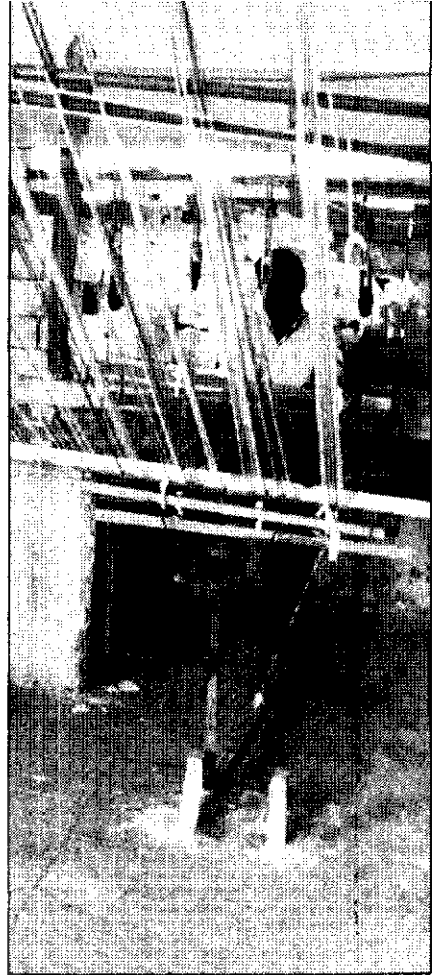
صنایع کوچک در مناطق روستایی باید ویژگیهای خاصی داشته باشند، اول اینکه تأمین کننده نیازهای کشاورزی و دامپروری و مکمل و پشتیبان این نیازها با توجه به شرایط جغرافیایی هر منطقه باشند.

به عبارت دیگر این صنایع نباید مغایرتی با رشد کشاورزی و دامپروری داشته باشند، می دانید که صنعت خصوصیتی دارد که نمی توان آنرا با کشاورزی مقایسه کرد مثلاً بازدهی سریع و ارزش افزوده بالا که این مسائل باعث می شود کشاورز کار سخت و طاقت فرسای خود را رها کرده و به صنعت روی بیاورد، بنابراین مهمترین ویژگی ورود این صنایع به روستا باید این باشد که در مناطقی که برای کشاورزی و دامپروری استعداد و ظرفیت کافی وجود دارد مشوق و پشتیبان تولید کشاورزی باشند و در مناطقی که این استعداد به اندازه کافی نیست حداقل مغایر با توسعه کشاورزی نباشند.

دومین خصوصیت این صنایع باید این باشد که حتی المقدور متناسب با مصرف و احتیاجات روستائیان بوده و نهایتاً زمینه ساز خود کفایی و استقلال اقتصادی کشور باشند.

برخورد ما با تولیدات این صنایع باید حساب شده باشد، اولویت را می دهیم به نیازها و مصارف خود روستائیان و محدوده روستاهای اطراف آنها، منتهی برای موفقیت این صنایع کیفیت تولیدات باید با تولیدات شهری و خارجی قابل رقابت بوده و حتی با تولیدات انبوه بتوان مصارف شهرها و صادرات را نیز در روستاها تأمین کرد.

سومین مسأله که جای تأمل بسیار دارد مسأله تکنولوژی مناسب است. این سؤال همیشه از ما شده است که شما چه نوع تکنولوژی برای صنایع روستایی انتخاب می کنید، آیا این تکنولوژی ساده و معمولی است، متوسط است یا از تکنولوژی پیشرفته نیز می توان استفاده نمود؟ در جواب باید بگویم ما به هیچ وجه در این فکر نیستیم که ساده ترین و پائین ترین تکنولوژیها را در روستا به



در انتخاب تکنولوژی است و ما باید ابتدا توان دانشگاهها و ظرفیت علمی مان را بدانیم و آنگاه به سراغ تکنولوژی مطلوب و مناسب برویم .

مسئله بعد توانایی ما برای آموزش نیروهای متخصص جهت کار و تولیدات و موضوع دیگر وجود صنایع زیربنایی است، صنایعی که بتوانند مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تکنولوژی را که انتخاب می‌کنیم تأمین کنند مانند صنایع فولاد و پتروشیمی و بالاخره اهمیتی است که ما به محور قرار گرفتن تکنولوژی خام می‌دهیم، باز هم مجبورم در این رابطه مثالی بزنم که مربوط می‌شود به مشکلاتی که بر سر راه مخترعین ما قرار دارد، یکی از این موارد مخترعی بود که در زمینه تولید ماشین‌آلات چرمسازی کار کرده و حتی موفق شده در این رابطه از وزارت صنایع موافقت اصولی هم دریافت کند، مشابه همین ماشین از کشورهای بلوک شرق وارد می‌شد و یکسری تجار بخشی خصوصی هم بودند که در وارد کردن این ماشین‌آلات نقشی داشتند، این مخترع با آن تجار مذاکرات مفصلی کرده بود که از وارد کردن ماشین خارجی خودداری کنند و حتی پیشنهاد ایجاد یک کارخانه بصورت اشتراکی به آنها داده و سهم کمی هم برای خودش گذاشته بوده اما آنها راضی نشده بودند و باز هم جهت وارد کردن اقدام کرده بودند اما قبل از واردات یکسری وقایع جالب دیگر نیز اتفاق افتاده. بدینصورت که این برادر مصاحبه‌ای می‌کند و در مورد اختراعاتشان توضیح می‌دهند چند روز بعد از مصاحبه یک گروه کارشناس از همان کشور تولید کننده به کارگاه ایشان آمده و از ماشین‌های تولیدی ایشان بازدید می‌کنند و حتی اظهار می‌دارند که راندمان تولید این ماشین از نوع خارجی بهتر است بعد این کارشناسان قیمت کالاهای خود را ۱/۴ تخفیف می‌دهند و از طریق آن تجار مجوز وزارت بازرگانی به اندازه مصرف ۵ سال این کالا را وارد کشور می‌کنند و بر اثر اینکار این برادر منفعل و دل‌سرد شده بود بنابراین ما باید برای شکل گرفتن تکنولوژی مورد نظرمان سیاست گذاری مخصوص کنیم و به این مسأله اهمیت دهیم.

اینها عواملی بود که در تعیین تکنولوژی مؤثرند اما بهرحال این یک موضوع قابل بحث است اما این تکنولوژی انتخاب شده حتماً باید با بافت جامعه روستایی ما بخواند و آنرا بر هم نزد و امکان تعمیر نگهداری آن نیز در روستا باشد و این حداقل مسأله است.

سؤال دیگر اینست که چرا صنایع کوچک انتخاب می‌شوند و این صنایع آیا توجیه اقتصادی دارند یا نه؟

امروزه ما می‌بینیم که خرد کردن و کوچک کردن صنایع و بردن آنها به روستاها در کشورهای پیشرفته که صاحب صنایع انبوه هستند مطرح بوده و دنبال می‌شود، مثلاً در ایتالیا می‌گویند بخاطر مسائل خاص اجتماعی و سیاسی اقداماتی شروع شده که صنایع را خرد می‌کنند و هر بخشی را به یک منطقه خاص و دور افتاده متمرکز می‌کنند، و یا در سفری که به ژاپن شده بود یک کارگاه سازنده ادوات کشاورزی که تولید کننده عمده سمپاشهای دفع آفات بوده و ۴۰٪ مصرف خود ژاپن را تولید می‌کرد ۳۰٪ صادرات ژاپن در این زمینه نیز از تولیدات آن بود در مناطق روستایی حول کارخانه خود، کارگاههای کوچکی را به شکل اقماری ایجاد کرده بود و آن دسته از کارگران را که به دلیل مشکلات خانوادگی و مسائل شهرنشینی حاضر به آمدن به شهر نبودند در این کارگاهها سازماندهی کرده بود و از آنها به بهترین نحو استفاده می‌کرد.

بنابراین بجز قیمت تمام شده که به عنوان یک ارزشی محوری مطرح است و براساس آن صنایع کوچک و بزرگ انتخاب می‌شود پارامترهای دیگری هم در این رابطه مؤثرند و من اینرا به عنوان یک تجربه می‌گویم اگر حمایت‌های فنی و اعتباری لازم از این کارگاههای کوچک بشود خصوصیات مثبتی دارند که می‌توانند کم کم کالاهایی تولید کنند که از نظر کیفیت و قیمت در حد قابل قبول باشند.

سیاست‌گذاری در زمینه صنایع روستایی

اما سیاست‌هایی که باید در زمینه ایجاد این صنایع دنبال شود من مختصراً عرض می‌کنم. ابتدا باید برای صنایع روستایی در مجموعه اقتصاد و صنعت کشور ما جایگاه مشخصی قائل شویم و در این رابطه بین وزارتخانه‌ها و دستگاههای دیگر اجرایی زیربند تقسیم کار صورت گرفته و در جهت تأمین اعتبارات و تخصیص وام از سوی مراکز اعتباری اقدامات مقتضی انجام شود.

مسأله بعد فراهم نمودن امکانات آموزشی و تخصصی جهت تربیت و تأمین نیروهای مورد نیاز صنایع روستایی است، البته ما این را قبول داریم که ظرفیت تربیت نیروی انسانی در جامعه ما محدود است ولی اینرا هم باید در نظر داشت که

۱
۲
۳
۴
۵

جهت افزایش کمی و کیفی محصولات.

مطلب بعد در سیاست‌گذاری صنایع روستایی جهت دادن به صنایع موجود کشور برای تأمین نیازهای صنایع روستایی است. الان هیچ خطی بر صنایع کشور ما حاکم نیست و معلوم نیست این صنایع براساس چه دورنمایی به اینصورت رشد کرده‌اند و این دورنما و خط باید تدوین شود.

مسئله بعد برنامه ریزی برای ایجاد جایگاه شایسته صنایع روستایی در فرهنگ آموزشی کشور است، و روستا باید در کتابهای آموزشی ما در تمام سطوح مخصوصاً سطوح فنی، هنرستانها و دانشکده‌های فنی ما مطرح باشد.

مراحل ایجاد صنایع روستایی

بعد از همه این مسائل می‌رسیم به دیدگاه جهاد در طریقه ایجاد و توسعه صنایع روستایی، ما براساس تجربیاتی که در این زمینه کسب کرده‌ایم چند مرحله برای ایجاد این صنایع در نظر گرفته‌ایم که البته در صورت برخورد با مسائل جدید حاضریم تغییراتی در آن بدهیم.

اولین مرحله مطالعه و تعیین دقیق مسائلی از قبیل میزان سرمایه‌گذاری، ارزشی ماشین‌آلات، تعداد کارگر، ایجاد هماهنگی، جمع‌بندی تجربیات سایر مللها و... دیگر مسائل تحقیقاتی و ریختن نتایج این مطالعات در غالب برنامه مشخص است. مرحله بعد شکستن جو غریبی نتوانستن و انجام مطالعات آزمایشگاهی و نیمه صنعتی جهت پایه‌ریزی استقلال و خودکفایی صنایع روستایی با توجه به برنامه مرحله اول است، البته منظور این نیست که تمام این کارها را جهاد انجام دهد بلکه اعتقاد داریم که در همه زمینه‌های برنامه‌ریزی و اجرا در صنعت روستا باید از روش بسیجی و بکار گرفتن امکانات کشور استفاده نمود در مرحله سوم برای آشنایی روستائیان با فرهنگ صنعتی و توجیه صنایع برای آنان واحدهایی بصورت نمونه و آزمایشی در بخشهای مختلف صنعت خواهیم زد، و به آموزش روستائیان خواهیم پرداخت تا از این راه موضوع تکنولوژی و تنگناهای دیگر در این زمینه را نیز حل کنیم و بالاخره در آخرین قسمت براساس نتایج بدست آمده از مراحل قبل و با توجه به استعدادها و نیازها در مناطق مختلف روستایی طرح کلان و توسعه یافته صنایع را در روستاها به اجرا در خواهیم آورد. و در این راه امیدواریم همه ارگانها و سازمانهای مربوطه ما را یاری دهند تا به امید خدا قدم به قدم و با دقت این مسائل را به پیش ببریم.



از موارد دیگر سیاست‌گذاری در قسمت صنایع روستایی می‌توان به عنوانهای زیر نیز اشاره کرد که فهرست وار خدمتان عرض می‌کنیم.

کمک به مخترعین و مبتکرین در جهت تأمین نیازها و ارتقاء تکنولوژی صنایع روستایی - حمایت و تشویق صنعتگران شاغل در شهرها جهت مهاجرت به روستا به منظور تقویت صنایع روستایی - تبلیغات لازم جهت شناساندن و ترغیب مصرف تولیدات صنایع روستایی و نیز معرفی و تشویق صنعتگران روستایی و هماهنگی با سایر مراکز جلب همکاریهای فنی و تخصصی و مشاورتهای مهندسی نهادها و سازمانهای ذیربط در جهت ترویج و گسترش این صنایع - کمک به ایجاد اتحادیه‌ها و یا هرگونه تشکیلات مناسب دیگر برای هماهنگی و انسجام صنایع روستایی، زیرا اگر صنایع روستایی یک ارتباط منسجم و هماهنگ در چهارچوب اتحادیه با هر عنوان دیگری نباشند و به صورت انفرادی و جداگانه عمل کنند هیچگاه نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. نتایج کار این اتحادیه‌ها می‌تواند بصورت زیر باشد.

- ۱- بالا بردن کیفیت تولیدات.
- ۲- بالا بردن سطح تکنولوژی.
- ۳- هماهنگی در آموزش.
- ۴- کنترل قیمتها.
- ۵- تأمین مواد.
- ۶- تسهیلات برای عرضه محصولات و بازاریابی.
- ۷- انجام برنامه‌های ترویجی و آموزشی

در کشور ما از بسیاری نیروهای فنی و تخصصی به نحو مطلوب استفاده نمی‌شود و حتی جهت گیریهای تربیت نیروی متخصص نیز متناسب با نیازهای ما نیست، به عبارت دیگر هیچ برنامه‌ها درازمدتی در این رابطه وجود ندارد و باید در برنامه ریزیها صنایع روستایی را نیز دخیل بدانیم و در جهت آن کسار کنیم.

مطلب بعد فراهم نمودن امکانات و تسهیلات لازم برای روستائیان جهت بهره‌برداری و تجهیز صنایع مورد نیاز مناطق روستایی و ترویج صنایع معدنی است، ما ضمن اینکه در صنایع روستایی اولویت را به صنایع تبدیل و محصولات کشاورزی داده‌ایم به صنایع معدنی هم توجه داشته‌ایم، زیرا اکثر منابع طبیعی ما در نقاط روستایی قرار دارند و این صنایع می‌تواند در مناطق روستایی رشد بسزایی داشته باشد.

چهارمین مسئله ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین ماشین‌آلات و ابزار و تهیه و توزیع مواد اولیه و عرضه تولیدات صنایع روستایی به بازار است، ما نباید روستایی را تنها با صدور یک مجوز به حال خودش رها کنیم.

ما دو ویژگی عمده را در صنایع روستایی دنبال می‌کنیم یکی نحوه مشارکت، نقش مردم و موضع مالیکت صنایع روستایی است و دیگر نقش دولت و چهارچوب وظایف دولت است. ما به هیچ وجه دنبال این نیستیم که دولت صاحب و مالک صنایع روستایی باشد بلکه مالک روستائیان خواهند بود. اما دولت و متولی صنعت روستا یعنی جهاد باید در تهیه طرح و ایجاد و بهره‌برداری و راه اندازی ماشین‌آلات و آموزشی نیروی انسانی در بالا بردن کیفیت تولیدات آنها بیشترین فعالیت را انجام دهند و در این چهارچوب موضوع سازماندهی تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات و سیاست‌گذاری عرضه تولیدات صنایع روستایی به بازار برعهده دولت می‌باشد.

مطلب پنجم هماهنگی با مراکز مربوطه و پی گیری در جهت ممانعت از ایجاد صنایع مشابه صنایع روستایی در مراکز شهری است. موضوع دیگر خرد کردن صنایع بزرگ در حد امکان و انتقال آنها به صورت کارخانه‌های کوچک اقماری و زنجیره‌ای به مناطق روستایی است.